

چالش‌های قضایی نهاد نظارت الکترونیکی

فرید محسنی^۱، عارف جعفریان^۲

چکیده

نهاد نظارت الکترونیکی به موجب ماده ۶۳ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری هر دو مصوب ۱۳۹۲، وارد نظام حقوقی ایران شد. این نهاد در مرحله اجرا با چالش‌هایی در دستگاه قضایی مواجه شد که بدین شرح است: تعیین محدوده جابه‌جایی محکومان، استفاده حداقلی محاکم از ظرفیت تدابیر نظارتی و دستورهای مراقبتی در احکام ناظر بر نظارت الکترونیکی، ابهام در برخی عبارات قانونی از قبیل «حبس‌های تعزیری» در تبصره دو ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی و «شرایط مقرر در تعویق مراقبتی» در ماده ۶۲ قانون پیش‌گفته، استفاده از نظارت الکترونیکی برای محکومان به حبس بالای پنج سال در جرائم مواد مخدر و در نهایت امکان‌سنجی پذیرش درخواست نظارت الکترونیکی در فاصله قطعیت حکم حبس تا پیش از اجرای آن. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، نظرات مختلف درباره چالش‌های پیش روی نظارت الکترونیکی را تبیین می‌نماید. یافته‌های این پژوهش نگارندگان را وادار ساخت تا به‌منظور برطرف نمودن این چالش‌ها، پیشنهادهایی در خصوص اصلاح ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی و دستورالعمل تعیین محدوده مراقبتی محکومان مصوب ۱۴۰۱ ارائه نمایند.

واژگان کلیدی: نظارت الکترونیکی، چالش‌های قضایی، محکومان جرائم مواد

مخدر.

۱. دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، استاد دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری دادگستری
Faridmohseni90@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری
دادگستری، (نویسنده مسوول)

arefjafaryan@gmail.com

درآمد

عده‌ای نظارت الکترونیکی را در ماهیت، یک نوع نهاد ارفاقی در مفهوم قانونی و برخی دیگر یک ظرفیت قانونی جهت انتقال محکومان از محیط سرد و بسته زندان به محیط گرم و باز جامعه می‌دانند. اهمیت این اختلاف در نگرش زمانی ظاهر می‌گردد که قانون‌گذار برخی محکومان را (به عنوان مثال در جرائم مواد مخدر تحت شرایط خاص) از بهره بردن از هر نوع نهاد ارفاقی محروم می‌سازد؛ در حالی که آثار سوء زندان بر هیچ‌کس پوشیده نیست. پژوهشی نوین تشریح نموده است که زندانیان ناگزیر از خشن شدن در محیط زندان هستند، نه به خاطر کسب منفعت بلکه برای مستعد بزه‌دیدگی واقع نشدن (ره‌نورد واقف و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۲۲).

در سال‌های اخیر نهاد نظارت الکترونیکی در بخش‌های مختلف نظام عدالت کیفری نقش‌های مختلف و مهمی داشته است و در سال ۱۴۰۳، بودجه قابل توجهی برای ارتقا آن اختصاص داده شد. با برطرف نمودن چالش‌های مختلفی که در این مدت به وجود آمده است، می‌توان تا حد زیادی زمینه موفقیت هرچه بیشتر آن را فراهم نمود که متعاقباً منافع اقتصادی و اجتماعی بسیار گسترده‌ای را در پی دارد.

عمده چالش‌های قضایی مورد بحث در اعمال نظارت الکترونیکی بدین شرح است: تعیین محدوده جابه‌جایی محکومان، استفاده حداقلی محاکم از ظرفیت تدابیر نظارتی و دستورهای مراقبتی در احکام ناظر بر نظارت الکترونیکی، ابهام در برخی عبارات قانونی از قبیل «حبس‌های تعزیری» در تبصره دو ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی و «شرایط مقرر در تعویق مراقبتی» در ماده ۶۲ قانون پیش‌گفته، استفاده از نظارت الکترونیکی برای محکومان به حبس بالای پنج سال در جرائم مواد مخدر و در نهایت امکان‌سنجی پذیرش درخواست نظارت الکترونیکی در فاصله قطعیت حکم حبس تا پیش از اجرای آن.

چالش‌های قضایی مذکور در این پژوهش، چکیده و حاصل مصاحبه با تعداد قابل توجهی از قضات محاکم بوده است که به دلیل رعایت اختصار ذکر نشده‌اند. در ابتدا چرایی چالشی بودن عناوین ذکر می‌گردد و در ادامه ضمن بررسی نظرات مختلف اعم از دکترین و رویه قضایی، تحلیل شخصی و راهکار مقتضی ارائه خواهد

شد.

«نباید چنین پنداشت که می‌توان قانون را طوری نوشت که قابلیت تفسیر را نداشته باشد؛ بلکه باید به این فکر بود که روش تفسیر چه باید باشد؟» (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۶۵). ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی^۱ و سایر مقررات به خصوص آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که به منظور تسهیل در اعمال نظارت الکترونیکی و جلوگیری از تشتت آرا به وجود آمده‌اند، مصون از ایراد، ابهام و نقص نیستند و بعضاً با تفاسیر مختلفی مواجه شده‌اند که در نتیجه آن نظرات مختلفی به وجود آمده است که در این مقاله ضمن بیان آن نظرات، مسیر صحیح‌تر و راهکار بهتر به منظور اجرای عدالت و نیز حفظ نظم عمومی، ارائه می‌گردد.

۱. چالش‌های قضایی: تعیین محدوده جابه‌جایی محکومان تحت نظارت

سامانه‌های الکترونیکی

با تصویب دستورالعمل تعیین محدوده مراقبتی محکومان تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی در تاریخ ۱۴۰۱/۵/۲۹، اصلی‌ترین دغدغه محکومان و خانواده‌های آن‌ها به افزایش میزان محدوده حرکتی آن تبدیل شد. تا قبل از آن عرف محاکم قضایی مایل به تعیین محدوده شهرستان محل سکونت محکوم بود تا این که در مواردی حکم به محدوده کشور ایران صادر شد که انتقادات زیادی به همراه داشت.^۲ در حال حاضر نیز اکثریت قضات علی‌رغم میل باطنی به محدوده‌های مقرر شده اعتبار

۱. در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم)‌های الکترونیکی قرار دهد. تبصره ۱- دادگاه در صورت لزوم می‌تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورهای ذکر شده در تعویق مراقبتی قرار دهد. تبصره ۲ (الحاقی ۲۳/۲/۱۳۹۹)- مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار نیز پس از گذراندن یک چهارم مجازات‌های حبس قابل اعمال است. تبصره ۳ (الحاقی ۲۳/۲/۱۳۹۹)- قوه قضائیه می‌تواند برای اجرای تدابیر نظارتی موضوع این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن متهم یا محکوم تحت نظارت الکترونیکی قرار می‌گیرد، با نظارت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کند. آیین‌نامه اجرایی این تبصره توسط معاونت حقوقی قوه قضائیه با همکاری مرکز آمار و فناوری و سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

۲. در دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۴۴۹۷۵۰۰۰۵۰ مورخ ۱۳۹۷/۰۱/۲۱ صادره از شعبه اول محاکم کیفری دو شهرستان سلماس، دادرس محترم «عدم خروج از شهرستان محل اقامت» را به عنوان محدوده، مورد حکم قرار داده است.

بخشیده‌اند و آن‌ها را مورد حکم قرار می‌دهند هر چند که موارد معدودی در شعبات تجدیدنظر استان‌ها یافت می‌شود که به بیشتر از این میزان نیز رای صادر نموده‌اند.^۱ لذا باید بررسی شود که آیا اصولاً دادرسی می‌تواند بیش از محدوده‌ای که در این دستورالعمل تعیین شده است را مورد حکم قرار دهد یا خیر؟^۲

۱-۱. نقد و بررسی

۱-۱-۱. اصل قانونی بودن مجازات‌ها

قانون‌گذار در ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی به صورت مطلق اختیار تعیین محدوده حرکتی را به قضات واگذار و مشابه رویه‌ای در کامن لا عمل نموده و این مورد را منوط به نظر دادگاه دانسته است. حال آن‌که به نظر می‌رسد این دستورالعمل اطلاق قانون را محدود نموده و فراتر از تشخیص قضایی، موجب تضییق شمول قانون گردیده و عملاً قانون (ماده ۶۲) را نسخ جزئی کرده است.

۱-۱-۲. اقتضاء ماده ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲^۳

مقنن در ماده ۵۵۳ مواردی را منفرداً (در مقابل مجتمعاً) به عنوان شرط پذیرش درخواست استفاده از پابند الکترونیکی ذکر کرده و اعطای تعهد به دادگاه جهت انجام هر یک از این موارد مستلزم تعیین محدوده حرکتی معقول برای محکومان است؛ حال آن‌که محدوده‌های تعیین‌شده در دستورالعمل مذکور به حبس خانگی الکترونیکی شباهت بیشتری دارد و مشارکت در زندگی خانوادگی که ساده‌ترین شرط در این ماده

۱. در دادنامه شماره ۱۴۰۳/۰۵/۲۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۳ صادره از شعبه دوازدهم دادگاه تجدیدنظر استان البرز، حکم به نظارت الکترونیکی در محدوده حرکتی استان البرز صادر شده است.
۲. ماده ۱- معانی اصطلاحات به کار رفته در این دستورالعمل به شرح زیر است: الف- محدوده مراقبتی درجه ۱: محلی با نشانی معین است که فرد تحت مراقبت، در آن سکونت دارد و شعاع تردد مجاز در آن حداکثر ۲۰۰ متر از ساختمان محل سکونت است. ب- محدوده مراقبتی درجه ۲: محلی که فرد تحت مراقبت در آن سکونت دارد و شعاع تردد مجاز در آن حداکثر ۵۰۰ متر از ساختمان محل سکونت وی می‌باشد. پ- محدوده مراقبتی درجه ۳: محلی که فرد تحت مراقبت در آن سکونت دارد و شعاع تردد مجاز در آن حداکثر ۱۰۰۰ متر از ساختمان محل سکونت وی می‌باشد.
۳. در جرائم مشمول نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند پس از وصول گزارش شورای طبقه‌بندی زندان و نظریه مددکاران اجتماعی معاونت اجرای احکام کیفری، مبنی بر آن‌که اجرای یک فعالیت شغلی یا حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و یا درمان پزشکی، از سوی محکوم‌علیه در خارج از محیط زندان، در فرآیند اصلاح وی و یا جبران ضرر و زیان بزه‌دیده موثر است، به دادگاه صادرکننده حکم، پیشنهاد اجرای نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی را طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بدهد و مطابق تصمیم دادگاه اقدام کند.

است، عرفاً به صرف حضور در منزل محقق نمی‌شود.

۳-۱-۱. ملاک اصل یکصد هفتادم قانون اساسی^۱

براساس اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی قضات از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است منع شده‌اند؛ لذا برخی معتقدند که تصمیمات اداری و تشکیلاتی ریاست قوه قضائیه (که طبق قانون اساسی از وظایف اوست) از دامنه شمول این اصل، خروج موضوعی دارد و در نتیجه قضات نمی‌توانند با استناد به اصل یکصد و هفتادم از اجرای دستورالعمل مذکور امتناع نمایند که موید آن، نظریه تفسیری شورای نگهبان در این خصوص می‌باشد^۲. هر چند که شورای نگهبان دستگاه‌های غیر از قوه مجریه را خارج از موضوع این اصل دانسته، اما محتمل است که برخی از قضات با استناد به فلسفه وضع و ملاک برگرفته از اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی دامنه شمول قانون را وسیع‌تر تفسیر نمایند و در نتیجه شعاع حرکتی محکوم و محدوده و مسافت را با تشخیص خود تعیین نمایند.

۴-۱-۱. سیاست‌های کلی قوه قضائیه درباره حبس‌زدایی و استفاده از پابند

الکترونیکی

سال‌هاست که سیاست حبس‌زدایی در راس تصمیم‌گیری‌های مقامات ارشد کشوری به‌خصوص قضایی قرار گرفته و مقررات زیادی در این زمینه وضع شده است از جمله بند دوازدهم سیاست‌های کلی قضایی ابلاغی از جانب مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۸؛^۳ هم‌چنین دستورالعمل سازماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها مصوب ۱۳۹۸ که به صورت خاص در مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۷ آن تأکید بر صدور احکام نظارت از طریق سامانه‌های الکترونیکی شده است و بخش آخر بند بیست و ششم از سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه مصوب ۱۴۰۱/۶/۲۰ در اجرای بند یک از اصل یکصد و دهم قانون اساسی^۴. در مکاتبه اداری نهاد ذی‌ربط حدوداً سه ماه قبل

۱. قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هرکس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

۲. نظریه تفسیری شماره ۱/۸۳/۱۱۸۷۰ مورخ ۱۳۸۳/۰۸/۲۸.

۳. بند دوازدهم: اتخاذ تدابیر لازم در استفاده از مجازات زندان با رویکرد حبس‌زدایی.

۴. بند بیست و ششم: روزآمدسازی سند تحول قضایی و اجرای آن با تأکید بر: ... بازنگری در

از تاریخ تصویب دستورالعمل^۱، تعداد پابندهای در حال استفاده در کل کشور «قریب به هشت هزار مورد» اعلام شده است.^۲

۲-۱. جمع‌بندی و راهکار

به نظر می‌رسد قضات می‌توانند تا زمانی که دستورالعمل تعیین محدوده مراقبتی محکومان مصوب ۱۴۰۱ در این خصوص اصلاح نشده (لایحه پیشنهادی در پایان این مقاله آمده است)، با استناد به بندهای چهارگانه فوق‌الذکر به محدوده حرکتی بیش از هزار متر حکم صادر نمایند، اما باید مدنظر داشت که این تصمیم‌گیری نباید به نحوی صورت گیرد که رویه قضایی تغییر کند؛ زیرا ممکن است مجدد زمینه‌ساز سوء استفاده و تشویش آرا قضایی گردد.

۲. استفاده حداقلی محاکم از ظرفیت تدابیر نظارتی و دستورهای مراقبتی در احکام ناظر بر نظارت الکترونیکی

همان‌طور که از سیاق تبصره یک ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی پیداست، تدابیر نظارتی و دستورهای مراقبتی برای قضات یک اختیار محسوب می‌شود و الزامی در صدور آن‌ها وجود ندارد.^۳ چالشی که در رویه قضایی به وجود آمده این است که آیا قضات عنایتی به مفاد این تبصره دارند یا خیر.

۲-۱. نقد و بررسی

مواردی از قبیل اختیاری بودن حکم به دستورها، ایجاد چالش در اجرا و نظارت به ترتیب برای مددجویان و واحد اجرای احکام و فقدان قانون‌گذاری متقن و آمره در این زمینه از مهم‌ترین دلایل استفاده حداقلی قضات از تدابیر نظارتی و دستورهای مراقبتی است. دادنامه ذیل که برخی از این تدابیر و دستورها را لحاظ نموده قابل توجه است:

«با توجه به نوع جرم ارتكابی و لزوم حمایت از بزه‌دیده و جلوگیری از

قوانین در جهت کاهش عناوین جرائم و کاهش استفاده از مجازات زندان.

۱. نامه شماره ۰۱/۴۵/۴۲ دارای پیوست به تاریخ ۱۴۰۱/۲/۲۵.

۲. در گزارشی دیگر به شماره ۰۲/۱۰۲/۱۰/۶۴۱ فاقد پیوست، به تاریخ ۱۴۰۲/۱/۲۰ یعنی حدوداً هشت ماه بعد از ابلاغ دستورالعمل تعیین محدوده مراقبتی، تعداد کل پابندهای مورد استفاده «۷۱۱۵ عدد» اعلام شده است.

۳. تبصره یک ماده ۶۲ دادگاه در صورت لزوم می‌تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورهای ذکر شده در تعویق مراقبتی قرار دهد.

تزلزل آرای کیفری و حصول اهداف اجرای مجازات‌ها و در راستای اختیار حاصل از تبصره ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ناظر به ماده ۴۳ آن قانون، دادگاه مقرر می‌دارد: اولاً، محکوم‌علیه نسبت به پرداخت نفقه معوقه و ماهانه شاکیه طبق رای دادگاه خانواد و در صورت عدم وجود رای مزبور، طبق توافق طرفین یا نظر کارشناس رسمی دادگستری که توسط قاضی محترم اجرای احکام انتخاب خواهد شد اقدام نماید، ثانیاً، نسبت به شرکت در یک دوره شش ماهه مشاوره خانواد و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی حداقل یک جلسه در هفته با نظارت قاضی اجرای احکام اقدام و همچنین با توجه به پیش روی بودن ایام عید سعید نوروز و مساعدت دادگاه به محکوم‌علیه به این مناسبت سعی در حصول سازش و ترمیم روابط خانوادگی نموده و نهایتاً گواهی مربوطه را به آن شعبه تقدیم نماید^۱. دادنامه‌های دیگری نیز وجود دارد که تدابیر نظارتی و دستورهای مراقبتی را مورد توجه قرار داده است^۲.

در نظام حقوقی فرانسه، قاضی اجرای احکام مجاز است در صورت تمایل، محکوم را ملزم به تبعیت از تدابیر مندرج در مواد ۴۳-۱۳۲ تا ۴۶-۱۳۲ قانون مجازات این کشور نماید (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۷)؛ در کره جنوبی مددجویان نظارت الکترونیکی در برخی جرائم در زمینه مصرف مواد مخدر محدود می‌شوند و در برخی جرائم خاص به تشخیص دادگاه باید برنامه‌های بازپروری ویژه‌ای را بگذرانند (UNODC: 10) و در کشور فنلاند مددجویان نظارت الکترونیکی مکلفند به فعالیتی مولد در اجتماع و مراکز تعیین شده بپردازند (Villman, 2024: 193).

۱. دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۲۱۴۱۰۱۵۵۹ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۶ صادره از شعبه ۱۱۴۱ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی شهید مطهری تهران.

۲. در دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۴۹۹۷۵۰۰۵۰ مورخ ۱۳۹۷/۰۱/۲۱ صادره از شعبه اول محاکم کیفری دو شهرستان سلماس، دادرس پرونده شرکت در کلاس‌های معاونت پیشگیری از وقوع جرم استان به میزان هشت ساعت و ارائه گواهی آن به قاضی اجرای احکام کیفری را در راستای اجرای بند ح ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مورد حکم قرار داده است. در دادنامه‌ای دیگر به شماره ۱۴۰۳/۰۶/۰۷ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۶ صادره از شعبه ۱۱۵ دادگاه کیفری دو شهرستان کرج، قاضی حکم به خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا سایر محکومان پرونده مستند به بند چ ماده ۴۳ قانون اخیرالذکر نموده است.

۲-۲. جمع‌بندی و راهکار

برای توجه بیشتر قضات به این تدابیر و دستورهای پیشنهاد می‌شود: اولاً، قانون‌گذار تا حد ممکن از ادبیات احاله‌ای در قانون‌گذاری پرهیز نماید و تدابیر و دستورهای متناسب با نظارت الکترونیکی را شخصی‌سازی نماید؛ ثانیاً، صدور حکم به حداقل یک تدبیر و یک دستور مراقبتی الزامی گردد تا مددجویان نیز احساس وظیفه بیشتری نمایند و روند اجتماعی شدن آن‌ها قوت بگیرد.

۳. «حبس‌های تعزیری» در تبصره دو ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی؛ مجازات قانونی یا قضایی؟

در اردیبهشت ماه ۱۳۹۹، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری اصلاح شد و یکی از اصلاحات، ماده ۹ این قانون بود که با الحاق دو تبصره دیگر به ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی، آن را دستخوش تغییر کرد. تبصره دو ماده ۶۲ دارای ابهام است و مشخص نیست که در عبارت «حبس‌های تعزیری درجه دو، سه و چهار» مجازات قانونی مدنظر قانون‌گذار بوده و یا مجازات قضایی^۱. به عبارت دیگر، حکم این تبصره مشمول جرائمی است که مجازات آن به موجب قانون درجه دو، سه و چهار است یا نوع جرم و مجازات قانونی آن اهمیتی ندارد، بلکه درجه مجازات قابل اجرا و قضایی ملاک است؟ در نظرات حقوق‌دانان و قضات نیز اختلافاتی یافت می‌شود.

۳-۱. نقد و بررسی

برخی نویسندگان معتقدند که «در تبصره مزبور تنها میزان محکومیت و تحمل یک‌چهارم مدت آن در کاربست سامانه یاد شده موضوعیت دارد و براین اساس اگر جرم ارتكابی درجه یک بوده لکن مقدار حبس تعیین‌شده از درجه‌های پایین‌تر باشد محکوم علیه با رعایت شرایط مقرر قادر خواهد بود که تحت این سامانه قرار گیرد» (توجهی، ۱۴۰۱: ۳۹۰). سیاست‌های کاهش جمعیت کیفری و کاهش هزینه عمومی زندان‌ها این دیدگاه را تقویت می‌نماید و عبارت «حبس‌های تعزیری» نیز آن‌قدر مبهم است که راه را برای چنین تفسیری باز می‌نماید.

۱. تبصره ۲ (الحاقی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳): مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار نیز پس از گذراندن یک‌چهارم مجازات‌های حبس قابل اعمال است.

نویسنده دیگری معتقد است «منظور از حبس‌های درجه دو تا چهار که در تبصره دو مقرر شده، مجازات قانونی جرم ارتكابی است نه میزان مجازات قضایی که در دادنامه قید می‌شود؛ زیرا قانون‌گذار در این ماده از عبارت «محکومیت به حبس» استفاده نکرده است. برای مثال چنان‌چه فردی مرتکب جرم درجه چهار شود و دادگاه با لحاظ مقررات تخفیف میزان مجازات را به حبس درجه هفت تقلیل نماید با توجه به عبارت در صورت گذراندن یک‌چهارم مدت حبس بهره‌مندی مرتکب از نهاد نیمه‌آزادی مندرج در دادنامه ممکن خواهد بود» (احمدزاده و تام، ۱۴۰۲: ۲۹۱). اما اصل در قانون، مجازات قانونی است و مجازات قضایی نیازمند تصریح و فقدان ابهام در آن است. نکته دیگر آن‌که اگر جرمی با مجازات قانونی درجه دو تا چهار ارتکاب یابد و با حبس قابل اجرای درجه پنج تا هشت همراه شود، باز هم طی نمودن مدت یک‌چهارم از آن الزامی است؛ زیرا صدر ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی، درباره جرائم تعزیری با مجازات قانونی حبس درجه پنج تا هشت است و نه مجازات قضایی و این در حالیست که محکوم، مرتکب جرمی با مجازات قانونی درجه دو، سه یا چهار شده است که این امر موجب خروج موضوعی وی با هر میزان تخفیف از صدر ماده ۶۲ قانون مزبور می‌گردد. هم‌چنین جرائم مشمول تبصره دو این ماده آن‌قدر شدید هستند که با لحاظ هر میزان تخفیف، مرتکب بی‌نیاز از گذر حداقل مدت یک‌چهارم کیفر حبس نمی‌گردد. نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه موید این دیدگاه است: «با توجه به عبارت در «جرائم تعزیری» صدر ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مقررات این ماده و سیاق تبصره دو الحاقی به آن، منظور از حبس‌های تعزیری درجه دو، سه و چهار تبصره الحاقی، مجازات قانونی حبس‌های تعزیری درجه دو، سه و چهار است و منظور از گذراندن یک‌چهارم مجازات‌های حبس، گذشت یک‌چهارم مجازات حبس مندرج در حکم است»^۱.

۳-۲. جمع‌بندی و راهکار

به نظر می‌رسد در رویه قضایی غالب نظرات چنین است که مطرح شد؛ به‌عنوان مثال در دادنامه‌ای دادرس پرونده بدون در نظر گرفتن این نکته که مجازات قابل اجرای محکوم به دلیل اسقاط حق تجدیدنظرخواهی وفق ماده ۴۴۲ قانون آیین

۱. نظریه مشورتی شماره ۹۹-۱۸۶/۲-۱۹۳۵ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۰.

دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به لحاظ قضایی از حبس درجه چهار به درجه پنج تنزل یافته است، گذشت یک چهارم از حبس تعیین شده را الزامی دانسته است.^۱ با این حال پیشنهاد می شود به منظور جلوگیری از تشتت آرا، مقنن نسبت به اصلاح این تبصره (متن پیشنهادی در انتهای مقاله آمده است) اقدام نماید.

۴. نظارت الکترونیکی برای محکومان پرونده های مواد مخدر

سوال این است که آیا محکومان به حداقل پنج سال حبس در جرائم مواد مخدر (با توجه به درجه چهار محسوب شدن آن) می توانند وفق تبصره دو ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی، پس از گذشت یک چهارم مدت حبس از ظرفیت این نهاد بهره مند شوند یا خیر؟ این سوال و چالش به این دلیل مطرح می شود که مطابق تبصره ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر، در صورتی که مرتکب به حداقل پنج سال حبس محکوم گردد از هیچ ارفاق قانونی به جز عفو رهبری و حکم تبصره ماده ۳۸ قانون مزبور برخوردار نخواهد شد.^۲

۴-۱. نقد و بررسی

تا قبل از استعلام نظریه مشورتی، تقریباً هیچ اختلاف نظری میان قضات نبود که پاسخ به سوال پیش گفته منفی است زیرا تا سال ۱۳۹۹ تبصره دو ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی وضع نشده بود و اصولاً مطرح نمودن چنین مسأله ای منتفی بود. البته در فاصله چند ماهه تصویب قانون کاهش (الحاق تبصره دو ماده ۶۲) و صدور نظریه مشورتی (که موخر بر این قانون بود) تمامی درخواست های استفاده از پابند الکترونیکی در جرائم با مجازات درجه چهار به بالا پس از گذراندن یک چهارم از

۱. دادنامه مورخ ۱۴۰۱/۴/۱۶ صادره از دادگاه انقلاب شهرستان بشرویه در پرونده شماره ۱۴۰۰۳۳۹۲۰۰۰۶۴۵۵۸۰.

۲. تبصره ماده ۴۵: در مورد جرائم موضوع این قانون که مجازات حبس بیش از پنج سال دارد در صورتی که حکم به حداقل مجازات قانونی صادر شود، جز در مورد مصادیق تبصره ماده (۳۸)، مرتکب از تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و سایر نهادهای ارفاقی به استثنای عفو مقام معظم رهبری مذکور در بند (۱۱) اصل یکصد و دهم (۱۱۰) قانون اساسی بهره مند نخواهد شد و در صورتی که حکم به مجازات بیش از حداقل مجازات قانونی صادر شود دادگاه می تواند بخشی از مجازات حبس را پس از گذراندن حداقل مجازات قانونی به مدت پنج تا ده سال تعلیق کند.

تبصره ماده ۳۸ (الحاقی ۱۳۷۶/۸/۱۷): کلیه محکومینی که پس از صدور حکم به نحوی با نیروی انتظامی یا سازمان عمل کننده همکاری نمایند و اقدام آن ها منجر به کشف شبکه ها گردد دادگاه صادرکننده رای می تواند با تقاضای نیروی انتظامی و یا سازمان عمل کننده براساس اسناد مربوطه، مجازات وی را ضمن اصلاح حکم سابق الصدور تا نصف تخفیف دهد.

مدت حبس، مستند به بخش‌نامه شماره ۱۰۰/۴۸۲۴۴/۹۰۰۰ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۶ و عمومیت حکم تبصره ماده واحده الحاقی رد می‌شد اما با طرح نظریه مشورتی ذیل اختلاف نظرها آغاز شد:

«با توجه به این که اجرای مجازات حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی با هدف مقنن از وضع تبصره ماده ۴۵ الحاقی به قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر دایر بر حتمیت اجرای مجازات‌ها منافات ندارد، بنابراین اعمال نظام آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی که ناظر به شیوه اجرای مجازات حبس است، از قلمرو مصادیق نهادهای ارفاقی موضوع تبصره ماده ۴۵ قانون پیش گفته خارج است»^۱.

۲-۴. جمع‌بندی و راهکار

اصلی‌ترین منشا اختلاف نظرات، اعتقاد برخی حقوق‌دانان بر ارفاقی نبودن نهاد نظارت الکترونیکی در معنی قانونی است و این که نهاد مزبور صرفاً شیوه نوین اجرای حبس است و هم‌چنین تبصره ماده ۴۵ الحاقی برخلاف اصل «کیفی بودن قوانین کیفری» است (ابراهیمی و سلطانی فرد، ۱۴۰۳: ۲۰۰)؛ اما نباید تردید داشت که بخش جدانشدنی از نهاد نظارت الکترونیکی، ماهیت ارفاقی و وجود شرایط پیچیده در اعمال آن است و با توجه به این که قانون‌گذار در تبصره ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر در جرائمی که مجازات حبس بیش از پنج سال دارند در صورت حکم به حداقل مجازات قانونی به صراحت (و مطلقاً) امکان بهره‌مندی محکوم از هرگونه نهاد ارفاقی به جز عفو مقام معظم رهبری مذکور در بند ۱۱ اصل یکصد و دهم قانون اساسی را سلب کرده است، به نظر می‌رسد توسعه قلمرو شمول استفاده از حبس تحت نظارت سامانه الکترونیکی به حبس‌های درجه دو، سه و چهار هم‌چنان با محدودیت قبلی مواجه است (احمدزاده و تام، ۱۴۰۲: ۲۹۲) و در صورت تفسیری مخالف نظر فوق، سیاست جنایی سخت‌گیرانه قانون-گذار در قبال مرتکبان جرائم مواد مخدر که عمدتاً دچار حالت خطرناک هستند، خنثی خواهد شد.

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۳۱۴ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۶.

۵. تقاضای اعمال نظارت الکترونیکی بعد از قطعیت حکم و قبل از

اجرای آن

یکی از چالش‌هایی که شعب اجرای احکام با آن مواجه هستند این است که متهم پس از این که به صورت قطعی به تحمل حبس در زندان بسته می‌شود، در حالی که با سپردن تامین آزاد است از قاضی اجرای احکام درخواست می‌کند تا وفق ماده ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری یا به هر طریق دیگری از دادگاه صادرکننده حکم قطعی تقاضای صدور حکم به مراقبت تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی را نماید. این وضعیت موجب شده است که اختلاف نظراتی در قانونی بودن پذیرش این درخواست شکل بگیرد.

۵-۱. نقد و بررسی

نظر اول این است که این اقدام مستندی در قانون ندارد و به عبارتی غیرقانونی یا فراقانونی است. یکی از نویسندگان در تایید این دیدگاه، نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه را نقل می‌کند: «قرار دادن محکوم به حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی موضوع ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی ناظر به اجرای حکم بوده و امری اجرایی محسوب می‌شود و مستقل از امر تعیین مجازات و صدور حکم محکومیت است و چنانچه دادگاه حین صدور حکم نسبت به اعمال مقررات ماده ۶۲ این قانون اقدام نکند با توجه به اصل قانونمندی دادرسی کیفری، قرار دادن محکوم تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی نیازمند رعایت تشریفات مقرر در ماده ۵۵۳ قانون پیش گفته است؛ بنابراین اعمال مقررات ماده ۶۲ در فرضی که دادگاه حین صدور حکم نسبت به اعمال مقررات این ماده اقدام نکرده باشد منوط به شروع به اجرای مجازات حبس محکوم خواهد بود»^۱ (احمدزاده و تام، ۱۴۰۲: ۲۹۴).

نظر دوم به موجب بخش‌نامه شماره ۲۲۶۲/۱۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۸ صادره از دادگستری استان تهران برجسته‌تر از قبل شده و در بند چهارم آن چنین آمده است: «محکوم قطعی به حبس درجه پنج تا هشت قبل از اعزام و معرفی می‌تواند تقاضای خود را به اجرای احکام کیفری تقدیم نماید. قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است در اجرای بند ب ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی درخواست وی را

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۴۰۹ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۳.

به همراه پرونده به دادگاه مربوطه ارسال و در صورت احراز شرایط و موافقت دادگاه، محکوم علیه را احضار و به مرکز مراقبت الکترونیکی معرفی نماید. استفاده از نظام آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی منوط به معرفی محکوم به زندان و طرح در شورای طبقه‌بندی زندان نمی‌باشد».

۲-۵. جمع‌بندی و راهکار

هنگامی که با نقص در قانون‌گذاری مواجه هستیم، تنها چاره ابتکار عمل و حرکت به سمت روح قانون است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۶۵). مقرر مزبور در این بخش‌نامه نیز با تصور وجود نقص در قانون یا هر نوع برداشتی از آن و هم‌چنین استفاده حداکثری از ظرفیت پابندهای الکترونیکی و جلوگیری از ورود محکومان به فضای ناسالم زندان وضع شده است اما به نوعی باعث نقض قاعده فراغ دادرس می‌شود، بر مشغله دادرسان و به‌خصوص سردرگمی قضات اجرای احکام می‌افزاید و روند اجرای احکام را با اختلال و تشویش مواجه می‌نماید. هم‌چنین تشریفات قانون آیین دادرسی کیفری نقض می‌گردد و احتمال تجدیدنظر قاضی صادرکننده رای قطعی بسیار کم است. با این حال ضروری به‌نظر می‌رسد که ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی اصلاح شود.

۶. ابهام در عبارت «شرایط مقرر در تعویق مراقبتی» در ماده ۶۲ قانون

مجازات اسلامی

نحوه برداشت از عبارت «شرایط مقرر در تعویق مراقبتی» در ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی موجب اختلاف نظرانی شده است که برخی آن را به احراز چهار شرط عمومی تعویق صدور حکم در ماده ۴۰ قانون مزبور^۱ مرتبط می‌دانند و برخی دیگر به بند ب ماده ۴۱^۲ و صرف سپردن تعهد به انجام تدابیر احتمالی ماده ۴۲^۳ و

۱. الف؛ وجود جهات تخفیف؛ ب- پیش‌بینی اصلاح مرتکب؛ پ- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران؛ ت- فقدان سابقه کیفری موثر

۲. ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی: تعویق به شکل ساده یا مراقبتی است. الف- در تعویق ساده مرتکب به‌طور کتبی متعهد می‌گردد، در مدت تعیین‌شده به‌وسیله دادگاه، مرتکب جرمی نشود و از نحوه رفتار وی پیش‌بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نمی‌شود. ب- در تعویق مراقبتی علاوه بر شرایط تعویق ساده، مرتکب متعهد می‌گردد دستورهای و تدابیر مقرر شده به‌وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجرا گذارد.

۳. تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر است: الف- حضور به‌موقع در زمان و مکان تعیین‌شده توسط مقام قضائی یا مددکار اجتماعی ناظر؛ ب- ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل‌کننده نظارت بر

ماده ۴۳^۱ در صورتی که در حکم دادگاه ذکر شود.

۱-۶. نقد و بررسی

در رویه قضایی قضات اغلب تمایل دارند که «شرایط مقرر در تعویق مراقبتی» را حمل بر موارد مذکور در ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی نمایند اگرچه در بسیاری موارد احراز تمامی جهات ماده اخیرالذکر را لازم نمی‌دانند، اما در میان حقوق‌دانان با نظرات مختلفی مواجه هستیم که به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

دسته اول شرایط ماده ۴۰ را ملاک عمل قرار داده‌اند؛ از آن جمله نویسنده‌ای می‌نویسد: «قانون‌گذار به دادگاه اختیار داده است که در خصوص حبس‌های تا پنج سال از نظارت الکترونیکی به جای حبس استفاده نماید. این امکان در صورتی است که دو شرط فراهم باشد: اول شرایط تعویق مراقبتی که منظور بندهای چهارگانه مندرج در ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی است و دوم رضایت محکوم به حبس مبنی

اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی؛ پ- اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه‌جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی؛ ت- کسب اجازه از مقام قضائی به منظور مسافرت به خارج از کشور. تبصره- تدابیر یادشده می‌تواند از سوی دادگاه همراه با برخی تدابیر معاضدتی از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد.

۱. در تعویق مراقبتی، دادگاه صادرکننده قرار می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق، ملزم نماید: الف- حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص؛ ب- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین؛ پ- درمان بیماری یا ترک اعتیاد؛ ت- پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه؛ ث- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری؛ ج- خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل موثر در آن؛ چ- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه؛ ح- گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی

۲. در دادنامه شماره ۱۴۰۳۳۳۹۰۰۰۷۷۶۶۴۳ مورخ ۱۴۰۲/۵/۲۷ صادره از شعبه اول دادگاه انقلاب شهرستان بشرویه، دادرس پرونده ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را مستند شرایط مقرر در تعویق مراقبتی قرار داده اما به صورت جداگانه آن‌ها را احراز ننموده؛ هم‌چنین در دادنامه شماره ۱۴۰۳۰۱۳۹۰۰۰۳۲۴۰۲۶۸ مورخ ۱۴۰۳/۶/۷ صادره از شعبه ۱۱۵ دادگاه کیفری دو شهرستان کرج، دادرس پرونده اشاره داشته است که «... و در نظر گرفتن اخذ گذشت شکات و رد مال آنان توسط زندانی که در راستای بند الف و پ ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد و ایام تحمل حبس نیز موجب احراز بند ب ماده مذکور که همانا پیش‌بینی اصلاح مرتکب گردیده ...»؛ همان‌طور که ملاحظه می‌گردد فقدان سابقه کیفری موثر به صورت مستند در دادنامه احراز نشده است اما به نظر می‌رسد چون مدت قابل توجهی از حبس وی سپری شده، این شرط نیز مفروض دانسته شده است.

بر این‌که به جای حبس از نظارت سامانه الکترونیکی استفاده گردد» (الهام و برهانی، ۱۳۹۲: ۱۴۲)، برخی دیگر نیز قائل بر این نظر هستند (فروغی و ایرانی، ۱۳۹۵: ۶۱۲)، نویسنده‌ای دیگر بدون استدلال خاصی قائل به این نظر است (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۲). حقوق‌دان دیگری می‌نویسد: «استفاده از نهاد مزبور مستلزم وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی است، بنابراین آزادی توأم با نظارت الکترونیکی نیز هم‌چون قرار تعویق صدور حکم، مستلزم وجود جهات تخفیف و فقدان سابقه محکومیت موثر کیفری می‌باشد» (کامفر، ۱۴۰۱: ۹۷). برخی دیگر نیز اظهار می‌دارند: «شرط خاصی در این بند وجود ندارد و به نظر می‌رسد منظور قانون‌گذار وجود شرایط مقرر در ماده ۴۰ برای تعویق باشد» (دانش‌وزیری و حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۷: ۸۲).

دسته دوم رعایت مفاد ماده ۴۰ و نیز بند ب ماده ۴۱ را ضروری می‌دانند بدین شرح که: «قانون‌گذار در ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی نظارت الکترونیکی را منوط به وجود شرایط تعویق مراقبتی دانسته است، بنابراین اولاً باید شرایط چهارگانه مذکور در ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی وجود داشته باشد و ثانیاً مرتکب باید متعهد شود که دستورهای و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت محکومیت به حبس (تحت نظارت الکترونیکی بودن) به موقع اجرا گذارد (موضوع بند ب ماده ۴۱)» (حیدری، ۱۳۹۴: ۳۵۳-۳۵۴). بند سوم از بخش‌نامه شماره ۲۲۶۲/۱۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۸ موید این دیدگاه است.

دسته سوم نیز صرف متعهدشدن محکوم مطابق بند ب ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی را کافی می‌دانند و برخی از آن‌ها این‌گونه استدلال می‌کنند که: «شرایط چهارگانه مذکور اختصاصی به تعویق مراقبتی ندارد و برای مطلق تعویق بیان شده است، اگر قانون‌گذار چنین مقصودی داشت باید مانند ماده ۴۶ این قانون از عبارت «در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم» استفاده می‌کرد. حال آن‌که همین قرینه و به اقتضای تفسیر مضیق از قوانین کیفری در فرض عدم امکان احراز نظر قانون‌گذار عبارت «در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی» مندرج در ماده ۶۲ قانون تنها منصرف به ارائه تعهد مرتکب به رعایت دستورهای و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه است» (احمدزاده و تام، ۱۴۰۲: ۲۹۴). اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز

در تایید این نظر در بخشی از نظریه شماره ۷/۱۴۰۲/۵۲ مورخ ۱۴۰۲/۱/۲۹ اشاره نموده است که: «در واقع قانون‌گذار برای آن‌که شرایط مذکور در بند ب ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی را در ماده ۶۲ این قانون تکرار نکند، به استفاده از این عبارت (شرایط مقرر در تعویق مراقبتی) اکتفا کرده است».

یکی از نویسندگان در تقویت نظر دسته سوم می‌نویسد: «از آن‌جایی که دغدغه قانون‌گذار در اعمال نهاد ارفاقی نظارت الکترونیکی تنها اجرای شایسته محکومیت حبس در خارج از زندان و التزام محکوم علیه به رعایت دستورهای دادگاه بوده و همان‌گونه که در اعمال نظام آزادی مشروط و نظام نیمه‌آزادی مولفه‌هایی مانند وجود جهات مخففه یا فقدان سابقه کیفری موثر (از شرایط تعویق صدور حکم) هیچ نقشی ندارند، در فرایند قرار دادن محکوم به حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی نیز وجود شرایط تعویق مراقبتی قاعدتا به تعهد سپاری مرتکب به رعایت تدابیر و دستورهای دادگاه که در بند ب ماده ۴۱ قانون مزبور مقرر گردیده انصراف دارد» (توجهی، ۱۴۰۱: ۴۱۰). در این خصوص نکاتی لازم به ذکر است:

اولاً، صرف سپردن تعهد به انجام دستورهای دادگاه توسط محکوم کافی نیست زیرا مقنن صدور تدابیر و دستورها را به موجب تبصره یک ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی به اختیار دادگاه واگذار نموده و بررسی رویه محاکم در این خصوص نشان داده است که اکثریت قضات به هیچ‌یک از این دستورها به دلایلی که سابقاً بیان شد اقبالی ندارند، لذا به نظر می‌رسد که مطابق این نظر عملاً جز یک تعهد فاقد مندرجات، هیچ شرط دیگری جز رضایت محکوم وجود ندارد.

ثانیاً، این قیاس که در نظام نیمه‌آزادی و آزادی مشروط برخی شرایط مندرج در ماده ۴۰ احراز نمی‌شود پس نیازی نیست تا در نظارت الکترونیکی نیز این موارد احراز شود، نادرست است؛ زیرا آن‌ها تابع شرایط قانونی خاص خود هستند و بعضاً شرایط دشوارتری نسبت به مفاد ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی دارند.

۲-۶. جمع‌بندی و راهکار

با توجه به ابهام موجود در قانون و تفاوت ماهوی بین تعویق مراقبتی و نظارت الکترونیکی، توصیه می‌شود مقنن به جای استفاده از قانون‌گذاری احاله‌ای، شرایط لازم برای اعمال نظارت الکترونیکی را به‌گونه‌ای که با ماهیت این اقدام سازگار باشد

به‌طور مستقل در قانون ذکر و ابهامات موجود را مرتفع نماید (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۱: ۲۴۸).

تردید نیست که در زمینه قانون‌گذاری نقص داریم، از یک سو تفسیر متن محور و لفظی یک منظور و تفسیر قصدمحور منظور دیگری دارد و مشخص نیست وقتی مطابق صدر ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی به صورت کلی یک مرتبه رضایت محکوم اخذ می‌گردد که حمل بر پذیرش کلیت نظارت الکترونیکی و الحاقات آن از جمله تعهد به انجام تدابیر و دستورهای می‌شود، به چه علت باید یک مرتبه دیگر این رضایت به موجب عبارت محل چالش تکرار گردد؟

همه ابهامات و اختلاف نظرات ما را به این تفسیر رهنمون می‌سازد که تا مشخص شدن نظر مقنن احتیاط نماییم که به حقوق جامعه و بزه‌دیده لطمه وارد نشود و از لغزش قضات نیز جلوگیری شود و محکومان واجد جامع شرایط مندرج در ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی نیز بتوانند از ظرفیت این نهاد بهره‌مند شوند. لذا به نظر می‌رسد قانون‌گذار در صدر ماده ۶۲ قانون مزبور سهو کلام داشته و عبارت «شرایط مقرر در تعویق مراقبتی» مذکور در این ماده، (منحصراً) در ماده ۴۰ و عبارت «تدابیر نظارتی» در ماده ۴۲ و «دستورهای ذکر شده» در ماده ۴۳ این قانون بیان گردیده است (محسنی، ۱۳۹۷: ۱۵۶). بنابراین پیشنهاد می‌شود مقنن در ماده به جای عبارت «شرایط مقرر در تعویق مراقبتی» از واژه «شرایط تعویق» استفاده کند (توجهی، ۱۳۹۳: ۱۱۴).

لازم به ذکر است که اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز رویکرد قبلی خود را تعدیل کرده؛ اما نظر دسته دوم را بدین شرح مورد پذیرش قرار داده است: «منظور از شرایط «تعویق مراقبتی» که در اعمال مقررات ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز احراز این شرایط ضروری است، همان شرایط مذکور در ماده ۴۰ و بند ب ماده ۴۱ قانون یادشده است. با این توضیح که در صدر بند ب ماده ۴۱ این قانون آمده است: «در تعویق مراقبتی علاوه بر شرایط تعویق ساده ...» که منظور همان شرایط مذکور در بندهای ذیل ماده ۴۰ این قانون (وجود جهات تخفیف، پیش‌بینی اصلاح مرتکب، جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران، فقدان سابقه کیفری موثر) است و در ذیل بند مذکور (بند ب ماده ۴۱) نیز تصریح شده «... مرتکب متعهد

می‌گردد دستورهای و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجرا گذارد؛ بنابراین برای صدور قرار تعویق مراقبتی احراز تمام شرایط مذکور در ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی و نیز اخذ تعهد از مرتکب به شرح مقرر در بند ب ماده ۴۱ ضروری است^۱.

این نظریه مشورتی ایراد دارد زیرا عبارت «شرایط تعویق ساده» در ابتدای بند ب ماده ۴۱ را حمل بر شرایط مقرر در ماده ۴۰ نموده است که درست نیست و شرایط تعویق ساده در بند الف ماده ۴۱ قانون مزبور ذکر شده است و هم‌چنان سپردن تعهد به انجام تدابیر نظارتی و دستورهای مراقبتی احتمالی دادگاه را شرط می‌داند در حالی که محکوم سابقاً با ارائه رضایت‌نامه کتبی وفق ماده ۶۲ با قرار گرفتن تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و تمامی محدودیت‌های آن از جمله تعیین محدوده حرکتی و دستورهای مراقبتی احتمالی موافقت نموده است.

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۱۰۸۱ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۷.

برآمد

براساس مطالب پیش گفته درباره چالش‌های قضایی نهاد نظارت الکترونیکی در این مقاله به شرح ذیل نتیجه‌گیری می‌شود:

۱- هرچند دستورالعمل تعیین محدوده مراقبتی در مقام ایجاد وحدت رویه قضایی بوده است، اما بر جنبه سزادهی و ارعاب در آن بیشتر تاکید شده و جنبه اصلاحی تا حدودی مغفول مانده است و لذا فراتر رفتن قضات از محدوده‌های تعیین شده در دستورالعمل تعیین محدوده مراقبتی تا زمانی که منطبق با وجدان و با هدف اجرای عدالت باشد و به نظم عمومی حوزه قضایی تحت مراقبت آن‌ها و امنیت جامعه لطمه‌ای وارد نسازد مجاز است.

۲- استفاده قضات از تدابیر نظارتی و دستورهای مراقبتی در احکام ناظر به نظارت الکترونیکی بسیار محدود و اندک می‌باشد؛ از این رو شایسته است قانون‌گذار در ادبیات احاله‌ای ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی تجدیدنظر نماید و تدابیر و دستورهایی منطبق با ذات و طبع نظارت الکترونیکی وضع نماید و سپس محاکم را مکلف به الزام محکوم به انجام حداقل یک تدبیر نظارتی و دستور مراقبتی و ارائه گزارش آن به دفتر اجرای احکام کیفری نماید.

۳- منظور از «حبس‌های تعزیری درجه دو، سه و چهار» در تبصره ۲ ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی، مجازات قانونی می‌باشد.

۴- نهاد نظارت الکترونیکی یک نهاد ارفاقی محسوب می‌شود و لذا در عمومیت حکم تبصره ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر قرار دارد و متعاقب آن محکومان جرائم مواد مخدر با حبس بالای پنج سال، جز در شرایط خاص قانونی، تا زمانی که حداقل مجازات قانونی خود را طی ننمایند، حق استفاده از هیچ نهاد ارفاقی نسبت به مدت باقی‌مانده را نخواهند داشت.

۵- اطلاق نص ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی، منحصر شدن نص ماده ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری به محکومانی که هم‌اکنون زندانی هستند، ضرورت پویایی امر تعیین مجازات، اصل دخالت حداقلی حقوق کیفری، سیاست‌های کلی قضایی و برنامه‌های توسعه و فقدان نهی صریح قانون‌گذار و بخش‌نامه‌های موجود، همگی دلالت بر جواز بررسی و پذیرش و عدم اعزام محکوم به زندان در صورت وجود

تامین تا مشخص شدن رای قطعی دارند، اما به دلیل فقدان تصریح قانونی، قاضی اجرای احکام الزامی به پذیرش آن ندارد و دادگاه نیز می‌تواند با این درخواست مخالفت نماید.

۶- منظور از «شرایط مقرر در تعویق مراقبتی» در ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی همان شرایط کلی تعویق صدور حکم مندرج در ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی است.

۷- پیشنهاد می‌شود:

نخست، دستورالعمل تعیین محدوده مراقبتی محکومان مصوب ۱۴۰۱ به شرح ذیل اصلاح شود:

بند ت ماده ۱: «محدوده مراقبتی درجه چهار: محلی که فرد تحت مراقبت در آن سکونت یا اشتغال دارد و شعاع مجاز تردد در آن حداکثر ده کیلومتر از محل تعیین شده می‌باشد».

ماده ۲- «مراجع قضایی در مواردی که رای به مراقبت تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی صادر می‌کنند با لحاظ نوع و کیفیت ارتکاب جرم، سوابق، آثار زیان‌بار و خسارت‌های وارده به بزه‌دیده و جامعه و همچنین با در نظر گرفتن شخصیت و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی فرد تحت مراقبت، یکی از محدوده‌های مراقبتی درجه یک تا سه مذکور در ماده ۱ این دستورالعمل را به‌عنوان محدوده مراقبت تعیین نمایند تا فرد مذکور در آن محدوده، تحت نظارت و مراقبت قرار گیرد. ضمناً قضات مجاز هستند تا نسبت به تعیین محدوده حرکتی به میزان مقرر در بند ت ماده ۱ صرفاً برای محکومانی که به منظور اجرای یکی از فعالیت‌های مندرج در ماده ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (فعالیت شغلی یا حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و یا درمان) الزاماً به محدوده حرکتی بیشتری نیاز دارند با ذکر دلیل در دادنامه، اقدام نمایند.

تبصره ۲ ماده ۲- «افرادی که وفق صدر این ماده به محدوده‌های حرکتی درجه یک تا سه محکوم شده‌اند، با گذشت یک‌سوم از مدت محکومیت، می‌توانند با تشخیص دادگاه مبنی بر مطابقت با شرایط ذیل این ماده به محدوده حرکتی درجه چهار ارتقا یابند.

تبصره ۳ ماده ۲- «مددجویان تحت نظارت الکترونیکی که وفق ذیل نص این ماده و تبصره دو آن، در محدوده حرکتی درجه چهار تردد می‌نمایند، باید در هر ماه گزارش فعالیتی که به سبب آن از این درجه حرکتی برخوردار شده‌اند را به نزدیک‌ترین واحد اجرای احکام یا مرکز سما تسلیم نمایند و به تایید رسانند».

دوم، ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی ۹۲ و دو تبصره ابتدایی آن به شرح ذیل اصلاح شود:

ماده ۶۲- «در جرائم تعزیری مستوجب حبس از درجه پنج تا هشت، دادگاه می‌تواند متهمان را ضمن صدور حکم محکومیت، محکومان به حبس را تا قبل از اجرای مجازات (بدون طی تشریفات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) و هم‌چنین محکومان در حال تحمل مجازات حبس را (بعد از طی تشریفات مندرج در ماده ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)، در صورت وجود شرایط مندرج در تعویق صدور حکم و احراز امکان اجرای حداقل یکی از فعالیت‌های مذکور در ماده ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ضمن کسب رضایت آنان، در محدوده مکانی مشخص (بر طبق دستورالعمل مربوطه)، تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی قرار دهد».

تبصره ۱- «در غیر از جرائم درجه شش تا هشت دادگاه ملزم است محکومان مشمول مقررات این ماده را تابع تمامی تدابیر نظارتی و حداقل یکی از دستورهای ذکر شده در تعویق مراقبتی قرار دهد».

تبصره ۲- «مقررات این ماده در مورد جرائم تعزیری درجه دو، سه و چهار نیز پس از گذراندن یک‌چهارم مدت حبس مندرج در دادنامه، قابل اعمال است. حکم این تبصره لطمه‌ای به عمومیت یا ممنوعیت مقررات خاص از جمله تبصره ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی وارد نمی‌سازد».

فهرست منابع

الف. فارسی

- * ابراهیمی، شهرام و سلطانی فرد، حسین (۱۴۰۳)، «پابند الکترونیکی به عنوان شیوه نوین اجرای کیفر حبس؛ از سیاست تقنینی تا قضایی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۸، شماره ۱۲۶.
- * احمدزاده، رسول و تام، مجتبی (۱۴۰۲)، آیین کیفردهی، چاپ نخست، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- * الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۳۹۲)، درآمدی بر حقوق جزای عمومی، تهران: میزان.
- * پاک‌نهاد، امیر (۱۳۹۹)، دانشنامه جرم‌شناسی نظری، چاپ دوم، ویرایش اول، تهران: میزان.
- * توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۳)، آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی، چاپ چهارم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- * توجهی، عبدالعلی (۱۴۰۱)، نهادهای ارفاقی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، چاپ دوم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- * جانی‌پور، کرم (۱۳۹۷)، «تحلیل نظارت الکترونیکی به عنوان مصداقی از جایگزین‌های حبس»، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳۷.
- * حسین‌زاده، محمد و جاهد، محمدعلی و قلی‌پور، امیرعلی (۱۳۹۶)، «نظارت الکترونیکی بر مجرمین حرفه‌ای و سابقه‌دار مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه»، کارآگاه، شماره ۴۰.
- * حیدری، علی‌مراد (۱۳۹۴)، حقوق جزای عمومی، تهران: سمت.
- * خاکسار، داوود و غلامی، حسین (۱۳۹۷)، «عوامل موثر بر صدور مجازات‌های جایگزین حبس»، پژوهش‌های حقوق جزای و جرم‌شناسی، شماره ۱۱.
- * دانش‌وزیری، کوثر و حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۷)، «حبس‌های خارج از زندان و نظارت بر آن»، قانون‌یار، سال دوم، شماره ۷.
- * رهنورد واقف، مهرداد و موسوی مجاب، سید درید و فرجیها، محمد (۱۴۰۱)، «مصونیت در زندان از طریق توسل به خشونت؛ پیش‌فرض‌های فرهنگی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۴.

* شاملو، باقر، پاک‌نیت، مصطفی (۱۳۹۴)، افتراقی شدن سیاست کیفری در پرتو پارادایم اثباتی و چالش‌های پیش روی آن در برخورد با رویکردهای نوین، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۱.

* شمس ناتری، محمدابراهیم، زارع، ابراهیم، کلانتری، حمیدرضا، و ریاضت، زینب (۱۳۹۲)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

* فدایی، فرید (۱۳۷۷)، حالت خطرناک، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۵.

* فروغی، فضل‌الله و ایرانی، امیر (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی شناسایی و اجرای نظارت الکترونیکی در حقوق کیفری ایران و آمریکا»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۲.

* کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، «سهم عدالت در تفسیر قانون»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۲.

* کامفر، بهداد (۱۴۰۰)، دوره پیشرفته حقوق جزای عمومی و اختصاصی، تهران: اندیشه نوین پژوهش، چاپ نهم.

* متین پارسا، محمد و موذن‌زادگان، حسنعلی (۱۴۰۱)، «چالش‌های سیاست جنایی قضایی در کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۸.

* محسنی، فرید (۱۳۹۷)، شرح قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) (مواد ۱ تا ۱۵۹-حقوق جزای عمومی)، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.

* میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۱)، حقوق جزای عمومی ۳: واکنش در برابر جرم (مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی)، چاپ نخست، تهران: دادگستر.

ب. انگلیسی

* UNODC, **Electronic Monitoring System**, Crime prevention system for public safety, https://www.unodc.org/documents/justice-and-prison-reform/ReducingReoffending/MS/Republic_of_Korea_Annex_-_pdf

* Villman, E. 2024. **Early release from prison with electronic monitoring: hook for or hindrance to change?** Crime and Criminal justice. Vol. 24. No. 1.